

# راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی

عنایت‌الله فاتحی نژاد

راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، آذرتاش آذرنوش، ۳۳۶ صفحه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۵۴، چاپ دوم همراه با واژه‌های فارسی در شعر جاهلی ۲۷۹ صفحه، ۱۳۷۴، انتشارات طوس.

روابط چند هزار ساله ایرانیان و اعراب، نفوذ سیاسی و فرهنگی ایرانیان در سرزمین‌های آبادان سامی‌نشین از بین‌النهرین تا فراسوی مصر در دوره هخامنشی و تسلط آنان بر جنوب عربستان و یمن در دوره ساسانیان و نیز یگانگی دینی ایرانیان و اعراب در هزار و چهار صد سال اخیر باعث نفوذ و تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی در عربی شده است. معمولاً محققان عرب روی کار آمدن عباسیان را سرآغاز تأثیر ایرانیان در زبان و فرهنگ و ادب عربی می‌شمارند. این بدان سبب است که تأثیر ایرانیان در این دوره در همه زمینه‌های سیاسی، نظامی، اداری، دیوانی، و علمی و فرهنگی کاملاً آشکار است و به هیچ روی انکارشدنی نیست. این‌که عباسیان به پشتیبانی سپاه خراسان به خلافت رسیدند و پایه‌های قدرت آنان را دبیران و وزیران ایرانی استوار ساختند و بزرگ‌ترین اندیش‌مندان و ادیبان و شاعران آن دوره همه ایرانی بودند واقعیتی است که در همه منابع تاریخی و ادبی کهن آمده است و نیازی به بحث و تحقیق ندارد. اما تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی در عربی منحصر به دوره عباسی نیست بلکه ریشه‌ها و زمینه‌های آن را باید در پیش از ظهور اسلام و قرن‌ها پیش از پیدایش دولت

عباسی جستجو کرد. البته تحقیق برای یافتن راه‌های نفوذ فرهنگ فارسی در عربی در عصر جاهلی کار چندان آسانی نیست؛ زیرا متأسفانه جز روایت‌های تاریخی پراکنده‌ای که در برخی منابع کهن آمده و نیز اشعاری که از عصر جاهلی بر جای مانده است، منبع دیگری برای آن در دست نداریم. از همین رو، تاکنون، مطالعات عمیقی به‌خصوص به زبان فارسی در این باره انجام نگرفته است. نخستین اثری که در این زمینه در ایران منتشر شده راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی است که نزدیک به یک قرن از نخستین چاپ آن می‌گذرد. مؤلف، در این اثر، زمینه‌ها و راه‌های نفوذ و تأثیر فارسی در فرهنگ عربی را بررسی کرده است. محقق برای آشنایی خواننده با موقعیت جغرافیایی عربستان و تاریخ گذشته اعراب، گزارش خود را با تاریخچه‌ای مختصر از سامیان و سرزمین نخستین ایشان و دولت‌های کوچک و بزرگی آغاز کرده است که از قرن‌ها پیش از میلاد مسیح تا اندکی قبل از اسلام به طور پراکنده در جزیره‌العرب پدید آمده‌اند. پس از آن، به موضوع خط‌ها و زبان‌های گوناگون سامیان پرداخته و سرانجام، بحث را به خط و زبان عربی کشانیده است. البته این بخش از کتاب، هرچند شامل مباحث علمی مفیدی است و می‌تواند، در درس تاریخ فرهنگ عربی، برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب و الهیات و معارف اسلامی سودمند باشد، ربط چندانی به اصل موضوع ندارد و شاید بهتر می‌بود که در چاپ دوم، در آن تجدید نظر شود.

بررسی آخرین دولت‌هایی که در اطراف شبه جزیره عربستان وجود داشته‌اند از بخش‌های مهم کتاب است که مؤلف، با تحقیقات گسترده، زمینه‌های تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی را در این دولت‌ها شناسایی و ارزیابی کرده است. حیره، یمن و حجاز، بیش از دیگر سرزمین‌ها، از فرهنگ ایرانی و زبان فارسی متأثر بوده‌اند. در این بخش، تحقیقات درباره نفوذ گسترده ایرانیان در یمن و نیز بازبانی نام‌های امیران ایرانی در آن سرزمین حایز اهمیت بسیاری است؛ زیرا این امیران و خاندان‌های اشرافی ایرانی نخستین کسانی بودند که در جنوب عربستان و یمن به اسلام گرویدند و هم اینان بودند که در زمان حیات پیامبر (ص) با اسود عنسی، که ادعای نبوت داشت، به مبارزه برخاستند و، پس از رحلت آن حضرت، با مرتدان در افتادند و، در حقیقت، دین اسلام به همت همین خاندان‌های ایرانی در یمن رواج و گسترش یافت. بخش پایانی کتاب نیز به بررسی عوامل ایرانی در حجاز و تأثیر فرهنگ ایران در این منطقه از عربستان اختصاص

یافته است. مطالب این بخش که نتیجه تحقیقات علی ژرف و گسترده‌ای است نه تنها در زمان نشر چاپ اول کتاب که هم اینک نیز کاری جدید در ایران به شمار می‌رود. بخشی که در چاپ جدید به کتاب افزوده شده به واژه‌های فارسی در شعر جاهلی اختصاص دارد. ارزش و اهمیت این بخش بیشتر از آن جهت است که بهتر از هر سندی تأثیر زبان فارسی در عربی را در عصر جاهلی نشان می‌دهد. ما می‌دانیم که ارتباط میان ایرانیان و تازیان، چه قبل و چه بعد از اسلام، باعث راه یافتن انبوهی از واژگان فارسی به زبان عربی شده است. گروهی از این واژه‌ها نخست از زبان‌های کهن ایرانی به یکی از زبان‌های سامی همچون آرامی، سریانی یا مندائی راه یافته و سپس به تازیان به ارث رسیده و گروهی دیگر در دوره‌های متأخرتر، مستقیماً و بدون واسطه، وارد زبان عربی شده است. تردیدی نیست که بحث و پژوهش درباره این وام‌واژه‌ها به خصوص واژه‌های گروه نخست، که در زمان‌های بس قدیم وارد عربی شده‌اند، کاری است بس خطیر و دشوار. زیرا زبان فارسی امروز، نسبت به زبان‌های اصل و تبار خود یعنی فارسی میانه و فارسی باستان، دگرگونی بسیار یافته و صورت بسیاری از واژه‌ها در طول چند هزار سال به کلی تغییر کرده است. از سوی دیگر، از زبان عربی پیش از اسلام، که آن نیز دست‌خوش تحولات بسیار شده، آثار مدونی به جز اشعار جاهلی - با همه جعلیاتی که در آن راه یافته - در دست نیست. دشواری دیگر این‌که کیفیت اشتقاق کلمات در زبان‌های سامی و از جمله عربی با زبان فارسی متفاوت است. در زبان عربی هر کلمه قالب و ریشه خاصی دارد و مسلماً هر واژه‌ای که وام گرفته می‌شود قالب و شکل ظاهری آن دگرگون می‌شود. همین دشواری‌ها باعث شده است که دانش‌مندان، با آن‌که از دیرباز به وجود واژه‌های بیگانه، به خصوص فارسی، در زبان عربی توجه داشته‌اند، هرگز به تألیفی جداگانه در این باره دست نزنند. بسیاری از لغت‌شناسان قرن سوم هجری از جمله اصمعی (۱۲۳-۲۱۷ هـ)، ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۱۰-۲۰۹ هـ) و نویسندگانی چون جاحظ (وفات: ۲۵۵ هـ) و ابن قتیبه (وفات: ۲۷۶)، در آثار خود، به انبوهی از واژه‌های وام گرفته شده از فارسی اشاره دارند؛ اما نه ایشان و نه هیچ‌یک از دانش‌مندان و لغت‌شناسان سده‌های بعد، دست کم تا اواخر قرن ششم هجری، اثری مستقل به این موضوع اختصاص نداده‌اند.

ظاهراً نخستین کسی که پای در این وادی نهاد و به تألیفی مستقل در این باره دست زد

ابومنصور موهوب بن احمد اهوازی معروف به جوالیقی از دانش‌مندان سده ششم هجری است که المعرب من الکلام الاعجمی، مشتمل بر حدود ۷۰۰ لغت، را تألیف و تدوین کرد. پس از وی، اثر دیگری که در این باره به دست ما رسیده شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل تألیف شهاب‌الدین احمد خفاجی کوفی است که در سده یازدهم هجری نوشته شده و در واقع ذیلی بر المعرب جوالیقی است.

از معاصران، ادی شیر الالفاظ الفارسیة المعربة و رضا کحاله الالفاظ المعربة الموضوعه رابه این موضوع اختصاص داده‌اند. از آثار اروپائیان در این باره واژه‌های دخیل در قرآن مجید تألیف آرتور جفری (ترجمه فریدون بدره‌ای) و واژه‌های ایرانی در آرامی تلمودی اثر تلگدی (به صورت مقاله) را می‌توان نام برد. هم‌چنین صدیقی اثری به آلمانی به نام بررسی‌هایی درباره واژه‌های دخیل فارسی در عربی کهن (۱۹۱۹ م) در آلمان به چاپ رسانده است. از آثار فارسی در این باره فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی تألیف س. محمدعلی امام شوشتری و نیز مقالات و آثار ارزش‌مند استادان مجتبی مینوی و علی اشرف صادقی در خور ستایش است.

واژه‌نامه ضمیمه راه‌های نفوذ، که جدیدترین پژوهش درباره واژه‌های فارسی در عربی به‌شمار می‌رود، شامل مجموعه کلماتی است که تازیان عصر جاهلی طی چندین قرن از زبان‌های کهن ایرانی به وام گرفته و در اشعار خود به کار برده‌اند. این لغت‌نامه با ۱۰۵ واژه، مرتب به ترتیب الفبایی، زمینه‌های تأثیرپذیری عربی از فارسی را بهتر از هر اثر دیگری آشکار می‌سازد، به‌خصوص که در آن بسامد کاربرد هر واژه و حوزه انتشار آن نشان داده شده است. هم‌چنین مؤلف، در پایان، احتیاطاً فهرست واژه‌هایی را آورده است که بیشتر غیر ایرانی به نظر می‌آیند یا ریشه آنها شناسایی نشده تا در صورت اثبات فارسی بودن آنها منابعشان در شعر جاهلی از دست نرود.

